

## سنجش میزان رضایتمندی ساکنان شهری از وضعیت مبلمان شهری (مطالعه موردی: مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان)

مصطفی ایستگلدی\* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زابل  
فهیمة خواجه‌نبی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد سمنان  
فاضل حاجی‌زاده - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان  
نظام‌الدین ستارزاده - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

### چکیده

هدف اصلی برنامه‌ریزی شهری ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد محیطی آرام و جذاب برای شهروندان است. در این میان، مبلمان شهری یکی از مهم‌ترین عناصر محیط شهری است که به شکلی وسیع با مفهوم امکانات زندگی، رفاه و روابط اجتماعی مرتبط می‌شود و می‌تواند بسترساز تقویت کیفیت زندگی شهروندان باشد. با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش مؤلفه‌های مبلمان شهری (کیفیت محیط، جانمایی صحیح مبلمان، تناسب و زیبایی و ساختار ناموزون شهری) و تأثیر آن بر سطح رضایتمندی شهروندان شهر زاهدان بررسی و تحلیل شده است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و کاربردی است که داده‌های آن به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (ابزار پرسشنامه) گردآوری شده است. جامعه آماری آن نیز شامل ساکنان شهر زاهدان در سال ۱۳۹۵ (۵۸۷.۷۳۰ نفر) است. همچنین حجم نمونه با فرمول کوکران، ۳۲۳ نفر محاسبه شده و به روش تصادفی ساده برحسب جمعیت مناطق توزیع شده است. به منظور حصول تصویر کلی سطح ارزیابی شهروندان از مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری، از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای بررسی ارتباط متقابل عامل‌های مبلمان شهری و شاخص رضایتمندی نیز محاسبه ضریب هم‌بستگی پیرسون برای هر زوج از عامل‌ها و شاخص رضایتمندی صورت گرفت. براساس نتایج مطالعه، میانگین عددی عامل‌های چهارگانه مبلمان شهری پایین‌تر از میانگین مفروض آزمون (عدد ۳) است. همچنین رابطه معنادار مثبتی میان عوامل مبلمان شهری و شاخص رضایتمندی وجود دارد. در پایان به منظور سطح‌بندی مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان از نظر مؤلفه‌های رضایت از مبلمان شهری و تعیین مطلوب‌ترین منطقه، از مدل ویکور استفاده شد که نتایج آن نشان می‌دهد مناطق ۱ و ۳ شهر زاهدان با ضریب ۰/۰۳۶ و ۱/۰۰۰ به ترتیب در بهترین و بدترین وضعیت از نظر شاخص‌های مبلمان شهری قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: رضایتمندی شهروندان، شهر زاهدان، مبلمان شهری، مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری.

## مقدمه

شهر به موجودی زنده شبیه است که مردم و فعالیت‌هایشان، روح آن و کالبد شهر، جسم آن محسوب می‌شود. شهرنشینی و پیری دو روند جهانی در مناطق شهری، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه به‌شمار می‌آیند. شهر در حیات خود به‌دلیل عوامل مختلف، شکل و گسترش می‌یابد، اما شهر خوب شهری است که کالبدش نیازهای ساکنان را با توجه به تغییرات زمان تأمین کند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶)؛ از این‌رو در میان مناطق شهری، فضاهای عمومی حوزه‌هایی محسوب می‌شوند که شهروندان به‌طور گسترده‌ای از آن‌ها استفاده می‌کنند. همچنین می‌توانند به‌طور بالقوه نقشی مهم در ارتقای کیفیت اجتماعی زندگی انسان‌ها با ایجاد حس مشابه مکان برای جامعه شهری داشته باشند (Ziyae, 2017: 1). فضاهای عمومی در شهرهای معاصر یکی از اجزای کالبدی شهر به‌شمار می‌آیند که مفهومی عمومی و اجتماعی دارند. درواقع نیازهای اجتماعی انسان‌ها اهمیت زیادی دارد (کارگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰۸)؛ بنابراین فضای شهری محلی است که مردم بیشترین وقت خود را در آن می‌گذرانند و حداکثر ارتباط را با یکدیگر و پیرامون خود برقرار می‌کنند. به همین دلیل آرایش فضا و ایجاد امکانات و تسهیلات لازم - که امروزه با عنوان مبلمان شهری شناخته می‌شود - اهمیت ویژه‌ای دارد (زنگی‌آبادی و تبریزی، ۱۳۸۷: ۴۶).

در زندگی شهری امروز به‌ندرت می‌توان کسی را یافت که با مبلمان شهری مانند سرپناه، ایستگاه اتوبوس، باجه بلیت‌فروشی، نیمکت پارک یا تابلوی راهنمایی و رانندگی که هر فرد با یک یا چند گروه از آن‌ها ارتباط دارد، سروکار نداشته باشد. مبلمان شهری بخش زیادی از فعالیت در شهر را سامان می‌دهد و سبب افزایش کیفیت استفاده شهروندان از خیابان، میدان، پارک و عرصه‌های دیگر شهری می‌شود. عمده‌ترین ویژگی مبلمان شهری کاربرد عام آن است. این محصولات بیش از هر چیز دیگر با توده مردم ارتباطی مستقیم دارند (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۲)؛ از این‌رو، ویژگی‌های داخلی و نماد فرهنگی را در زمان و مکان منعکس می‌کنند (Abdul Wahab et al., 2015: 285). براین‌اساس مبلمان شهری مجموعه عناصر ساختاری و وابسته به ویژگی‌های فرهنگی شهرهاست که نقشی مهم در شناخت شهر، به‌ویژه افزایش رفاه اجتماعی ایفا می‌کند. از دیدگاه بایراکس عناصر مبلمان شهری، ویژگی‌هایی دارند که میان مردم ارتباط برقرار می‌کنند و معنای کارکردی و زیبایی‌گونه می‌آفرینند؛ از این‌رو با کمیت‌ها و کیفیت‌های گوناگونی همراه هستند که به منطقه هویت می‌بخشند و آن را تکمیل می‌کنند. براین‌اساس عناصر مذکور نه‌تنها برای اهداف کارکردی، بلکه به‌دلیل تأثیرگذاری در بازاحیای چشم‌اندازهای شهری مفید هستند (Bulut and Atabeyoglu, 2007: 2433).

مبلمان شهری از جمله عناصر سازنده فضای شهری است که کمیت و کیفیت زیبایی، راحتی، دوام و محل استقرار آن نقشی بسیار اساسی در دستیابی به شهری زیبا و سالم دارد؛ شهری که در آن شهروندان آسایش داشته باشند و حضور در آن را به نشستن در خانه ترجیح دهند (مشیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵). از آنجا که سه هدف اصلی برنامه‌ریزی شهری، سلامت، آسایش و زیبایی است، دستیابی به هر سه مورد همراه با توجه به طراحی دلپذیر فضای شهری به دقت و حوصله در طراحی و برنامه‌ریزی مبلمان شهری نیاز دارد. مبلمان زیبا در فضایی بدون زیبایی جذابی نخواهد داشت و فضای زیبایی که در آن مبلمان نازیباستقرار یابد، جلوه نخواهد کرد. بدین‌منظور طراحی هم‌زمان فضای شهر و مبلمان شهری اساس دستیابی به شهر سالم امروزی است. از سوی دیگر، توجه به تناسبات انسانی در ساخت مبلمان شهری و شرایط اقلیمی و مصالح بومی نیز از ضروریات طراحی مبلمان شهری به‌شمار می‌آید. مکان‌یابی محل استقرار مبلمان، توالی و

تواتر چیدمان آن در کیفیت بصری فضا تأثیری مثبت دارد. در واقع مبلمان شهری مانند هر عنصر دیگری در سیمای شهر تأثیرگذار است؛ از این رو باید با طراحی و برنامه‌ریزی دقیق در این حوزه، متناسب با فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم حرکت کرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹). با توجه به رشد شتابان شهرنشینی، نبود نظام‌های کارآمد، برنامه‌ریزی و طراحی در بیشتر کشورهای در حال توسعه، فضاهای عمومی با مقوله‌هایی گوناگون از جمله مبلمان نامناسب برای استفاده شهروندان مواجهند که این مسئله ناشی از بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان است (Bonenberg, 2015: 1721). مبلمان موجود در فضاهای عمومی در بسیاری موارد، متناسب با نیاز و خواست اقشار گوناگون شهروندان طراحی نشده است. همچنین در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی، نیازهای اجتماعی و روحی شهروندان مدنظر قرار نگرفته و بیشتر استانداردها به ویژگی‌های کالبدی و فیزیولوژیک معطوف بوده است (محمدی و پیشه‌گر، ۱۳۹۷: ۲). در نتیجه کیفیت فیزیکی شهرها، زیبایی شهر و رضایت شهروندان بدون برنامه‌ریزی صحیح، مکان‌یابی مناسب و ایجاد تناسب کارکردی ابعادی در شهر و سطوح ارتباطی به‌ویژه مبلمان آن ایجاد نخواهد شد. در صورتی که تجهیزات شهری با برنامه‌ریزی و براساس استانداردها صورت بگیرد، شهروندان آسایش و امکانات بیشتری خواهند داشت و رضایت آن‌ها از محل سکونت خود افزایش می‌یابد. در نتیجه این مقوله سبب بهبود کیفیت محیط شهری می‌شود (آزادخانی و طهماسبی‌کیا، ۱۳۹۵: ۹۵).

زاهدان یکی از شهرهای مرزی کشور است که مانند سایر شهرهای امروزی پاسخگوی نیازهای عمومی ساکنان خود نیست؛ به‌گونه‌ای که فضاها و کاربری‌های عمومی آن ظرفیت و قابلیت لازم را برای پاسخگویی به نیازهای زندگی پرشتاب شهری ندارد. در نتیجه کیفیت فیزیکی شهرها، زیبایی آن‌ها، رضایت شهروندان بدون برنامه‌ریزی صحیح، مکان‌یابی مناسب، توجه به شرایط بومی و فرهنگی، تناسب کارکردی ابعادی در شهر، سطوح ارتباطی و به‌ویژه مبلمان آن ایجاد نخواهد شد. این عوامل در مدت‌زمانی نه‌چندان طولانی آثاری منفی بر شهروندان خواهد گذاشت که نتایج آن افزایش نارضایتی، افزایش وندالیسم<sup>۱</sup>، نارضایتی از مدیران و مسئولان، تمایل نداشتن به مشارکت شهری و... خواهد بود. براین اساس در پژوهش حاضر با هدف تحلیل مؤلفه‌های مبلمان شهری و تأثیر آن بر سطح رضایت‌مندی شهروندان از کیفیت محیط، وضعیت مبلمان شهری شهر زاهدان با استفاده از شاخص‌های «کیفیت محیط»، «جانمایی صحیح مبلمان»، «تناسب و زیبایی» و «ساختار ناموزون شهری» سنجیده شد تا مشخص شود رضایت شهروندان از وضعیت مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری در چه سطحی قرار دارد. همچنین تأثیر این مؤلفه‌ها بر رضایت شهروندان نیز بررسی شد. بدین ترتیب پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری در سطح شهر زاهدان در چه وضعیتی قرار دارند؟
- آیا میان مؤلفه‌های مبلمان شهری در محدوده مورد پژوهش و سطح رضایت‌مندی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؟
- وضعیت مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان از نظر مؤلفه‌های رضایت از مبلمان شهری در چه سطحی قرار دارد؟

### پیشینه پژوهش

واردنو و سولامی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، در «اثرات مبلمان درخشان بر روحیه افراد» با استفاده از آزمون آماری آنووا<sup>۲</sup> نتیجه گرفتند که تنظیم ثابت مبلمان درخشان، تأثیر مطلوب‌تری بر خلق‌وخوی افراد جامعه دارد.

پولدما<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۴)، با «شناخت نیازهای شهروندان در فضاهای عمومی با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایشی» به این نتیجه رسیدند که نیازهای اقشار مختلف در زمان‌های مختلف در استفاده از تسهیلات فضاهای عمومی از جمله مبلمان متفاوت است و باید در طراحی این فضاها به این مورد توجه کرد.

بولداک<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) با «تحلیلی بر استفاده از مبلمان شهری در تبلیغات شهری در شرایط آموزش زیباشناسی و بصری» نتیجه گرفت که مبلمان شهری به طراحی و پیوستن به دیگر عوامل پایدار و محیط‌زیست نیاز دارد. همچنین طراحی گرافیک و محصولات کاربردی در مبلمان شهر، قابلیت تشخیص مکان‌ها را افزایش می‌دهد. راسیدی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۲)، در «تأثیرات طراحی فضای سبز شهری بر تعاملات اجتماعی شهروندان» نتیجه گرفتند که تنوع زیرفضاهای شهری از جمله تراکم پوشش گیاهی، جمعیت حیوانات و اشکال آب در رفتار و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است.

محمدی و پیشگر (۱۳۹۷) در «تحلیل وضعیت مبلمان شهری و سنجش رضایت‌مندی شهروندان (مطالعه موردی: حاشیه رودخانه بالیخلی‌چای شهر اردبیل)» دریافتند که میزان رضایت‌مندی از عناصر مبلمان این محدوده پایین‌تر از میانگین، و رضایت از کف‌پوش‌ها بیشتر از سایر عوامل است.

حمزه و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی طراحی و بازطراحی مبلمان شهری در راستای زیباسازی شهری در ابعاد مختلف با تأکید بر توسعه گردشگری و پویایی اقتصادی در آستارا پرداختند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، طراحی مبلمان شهری مطلوب به کمک زیباسازی ریخت شهری، کاهش حوادث غیرمنتظره و ناخوشایند و تأمین رفاه گردشگران سبب جذابیت و آفرینش ذهنی مطلوب برای گردشگران می‌شود و با کمک به جذب گردشگر، اقتصاد شهری را ارتقا می‌دهد.

محمدی و تقی‌پور (۱۳۹۴) در «نقش مبلمان شهری در سرزندگی پیاده‌راه‌های بافت تاریخی (نمونه موردی: خیابان حافظیه و شهرداری)» نتیجه گرفتند که سرزندگی به کمک مبلمان شهری مناسب در مکان‌های تاریخی سبب کاهش فرسودگی آن مکان‌ها و زیباسازی و منظر شهری می‌شود. همچنین دریافتند که عوامل مؤثر بر سرزندگی از جمله مبلمان شهری با فضای شهری و جذب گردشگران رابطه‌ای مستقیم دارد.

زیاری و همکاران (۱۳۹۲) به «بررسی و تحلیل مبلمان شهری از دریچه رضایت شهروندی و عملکرد مدیریت شهری (مورد پژوهش: شهر مهاباد)» پرداختند. براساس نتایج این پژوهش، برخی کاستی‌ها و نارضایتی‌ها در زمینه تأسیسات و تجهیزات شهری در پارک‌ها، فضاهای باز و عمومی شهر به‌عنوان محدوده‌های پژوهش در شهر مهاباد مشاهده می‌شود.

مهدیزاده (۱۳۹۱) با بررسی نقش اثاثیه شهری در کیفیت محیط شهری با استفاده از مطالعه اسنادی و پژوهشی نتیجه گرفت که از علل ناکامی طرح‌های جامع و تفصیلی در نظام شهرسازی ایران، تأکید بیش از حد بر عوامل کالبدی و عملکردی و غفلت از پرداختن به ابعاد کیفی و زیباشناسی محیط شهری است.

1. Wardono and Soelami  
 2. Anova  
 3. poldma  
 4. Bulduk  
 5. Rasidia et al

هرچند پژوهش‌هایی دربارهٔ موضوع مدنظر صورت گرفته است، می‌توان گفت بیشتر آن‌ها با مکان‌یابی عناصر مبلمان شهری مرتبط است و معدودی از آن‌ها به بررسی رضایت‌مندی از مبلمان شهری پرداخته است، اما در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی علل این رضایت‌مندی، سطح‌بندی مناطق پنج‌گانهٔ شهر زاهدان با استفاده از مؤلفه‌های رضایت از مبلمان شهری از دیدگاه شهروندان صورت گرفته است.

### مبانی نظری پژوهش

مالت<sup>۱</sup> نخستین پژوهشگری بود که در سال ۱۹۷۰ در ایالات‌متحدهٔ آمریکا در اثری با عنوان مبلمان شهری به این موضوع پرداخت و ضوابطی را برای مبلمان شهری و مکان‌یابی آن در محله‌های شهری بیان کرد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۵). بخش عمده‌ای از عناصر تشکیل‌دهندهٔ سیمای هر شهر، مبلمان آن است؛ اجزایی که علاوه بر کاربردهای خاص خود، زیبایی و انتظام شهر را نیز سامان می‌دهند. شکل‌گیری عناصر بصری که تصویر هر شهر را به‌وجود می‌آورند، خاطره‌ای در ذهن بیننده باقی می‌گذارند (پرهیزکار، ۱۳۹۳: ۵۱)؛ از این‌رو سازمان‌دهی مبلمان شهری یکی از مهم‌ترین عناصر محیط شهری است و سهم بسزایی در مطلوبیت و مطبوعیت فضا از نظر شهروندان دارد؛ بنابراین عدم برنامه‌ریزی کامل در زمینهٔ مبلمان شهری، به کارایی‌نداشتن این عناصر منجر می‌شود. همچنین اگر استانداردسازی عناصر مبلمان شهری رعایت نشود، به آشفتگی بصری و نارضایتی شهروندان می‌انجامد (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱). با این حال، مبلمان شهری به مجموعهٔ وسیعی از اشیاء، دستگاه‌ها، نمادها و عناصری گفته می‌شود که چون در شهر، خیابان و در فضای باز نصب شده‌اند و استفادهٔ عمومی دارند، به این اصطلاح معروف شده‌اند (زنگی‌آبادی و نوری، ۱۳۹۴: ۹۱). به عبارت دیگر عناصری مانند نیمکت‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، علائم، منابع نوری، صندوق‌های پستی، سطل‌های زباله، گل‌جای‌ها و... مبلمان شهری نام دارند که برای راحتی، آسایش و زیبایی بیشتر، ارائهٔ اطلاعات، کنترل حرکت، ایجاد امنیت و رفاه کاربران در فضاهای شهری قرار داده شده‌اند (لحمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

با توجه به آنچه بیان شد، مبلمان شهری یکی از عوامل تکمیل‌کنندهٔ فضای شهری است که در کنار ساختمان‌ها، فعالیت‌ها و انسان‌ها قرار می‌گیرد و در ارتقای فضای شهری صرف به قلمرو عمومی اثرگذار است. قلمرو عمومی مفهومی فراتر از فضای شهری دارد؛ زیرا فضای شهری بیشتر کالبدی است، اما قلمرو عمومی علاوه بر کالبد، ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد. هنگامی که فضای شهری به قلمرو عمومی ارتقا یابد، شهروندان آزادانه در آن حضور می‌یابند، به گفت‌وگو و تعامل می‌پردازند، در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند و به ناملايمات معترض می‌شوند. علاوه بر این، مبلمان شهری خوب می‌تواند بستر بهتر و رغبت بیشتری را در شهروندان برای فعالیت‌های شهری در پی داشته باشد. در نتیجه حضور و رفت‌وآمد مردم در فضاهای شهری را تقویت می‌کند (افرادی، ۱۳۹۵: ۳۰)؛ از این‌رو، فضاها از یک‌سو آیینیهٔ تمام‌نمای فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری یک جامعه هستند و از سوی دیگر بر عملکرد و رفتارهای ساکنان تأثیر زیادی دارند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹۰). از دیدگاه تیبالدز<sup>۲</sup> عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند و در آن‌ها بیشترین ارتباط و تعامل میان انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را

1. malt

2. Tibbalds

در برمی‌گیرند؛ بنابراین خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های محصورکننده را شامل می‌شوند (همتیان، ۱۳۹۶: ۱۴۶). از دیدگاه شولتز معمار اندیشمند نروژی بناها و فضاهای عمومی به تجلی ارزش‌های مشترک شهروندان می‌پردازند و مکانی برای وقوع فعالیت‌های رضایت‌بخش عموم فراهم می‌کنند (پورمحمدی و کوشانه، ۱۳۹۲: ۳۸).

رضایت شهروندی ابزاری مهم برای تعیین دیدگاه شهروندان به شهری است که در آن زندگی می‌کنند. این رضایت در شهرهای گوناگون جهان متفاوت است (Nigro and et al., 2016: 85). به‌طور کلی می‌توان رضایت‌مندی را خصیصه‌ای دانست که در آن انتظارات فرد در حدی مطلوب برآورده می‌شود (شفیعی‌ثابت و میرواحدی، ۱۳۹۶: ۱۶۰). اگرچه این رضایت‌مندی طیف مختلفی را پوشش می‌دهد، نیازها و حتی آرمان‌های یک فرد، مجموعه‌ای از هر دو ویژگی‌های فردی (طبقه اجتماعی، مرحله زندگی و...) و معیارهای فرهنگی تأثیرگذار بر اوست؛ از این‌رو رضایت‌مندی به بسیاری از عوامل بستگی دارد. رضایت‌مندی از محیط شامل امکانات و خدمات تفریحی و رفاهی، فرهنگی، آموزشی، امنیت و آرامش و فضای تعاملات اجتماعی است (آزادخانی و طهماسبی‌کیا، ۱۳۹۵: ۹۹). از دیدگاه لینچ<sup>۱</sup> فضای شهری باید تصویری را به ناظر ارائه کند که در آن احساس امنیت و لذت داشته باشد. همچنین رابطه‌ای موزون میان شخص و جهان خارج شکل دهد. این امر زمانی امکان‌پذیر است که شهروندان احساس کنند کیفیت زندگی‌شان مطلوب است که این امر همان رضایت از سلامت جسمانی (فیزیکی)، سلامت روانی، رابطه اجتماعی و محیط است. در این میان، مبلمان شهری با تنظیم چهار جریان مهم زندگی در شهر یعنی حرکت، سکون، تفریح و اضطراب می‌تواند کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهد (رحمانی‌فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

مقوله مبلمان شهری در برنامه‌ریزی شهری از جمله موضوعات چندانضباطی است که نظریه‌پردازی مستقلی درباره آن صورت نگرفته است. گیبونز و اوبرهولزر (۱۹۹۱) معتقدند طراحی و مکان‌گزینی مناسب مبلمان شهری تأثیری مستقیم بر کیفیت محیطی و کیفیت زندگی شهروندان دارد (Gibbins and Oberholzer, 1991: 1). از دیدگاه سعیدنیا (۱۳۷۹) کمیت و کیفیت، طراحی و مکان‌گزینی مناسب مبلمان شهری به‌ویژه در فضاهای عمومی شهری، سبب ارتقای کیفیت، تعلق مکانی و احساس رضایت از فضاهای شهری می‌شود. همچنین به اعتقاد حبیبی (۱۳۷۹) با توجه به نیاز فضاهای عمومی در زندگی شهری، توجه به کیفیت مناسب این فضاها در برنامه‌ریزی شهری ضروری است (محمدی و پیشگر، ۱۳۹۷: ۴). از دیدگاه راپاپورت<sup>۲</sup> ایجاد فضاهای نامناسب شهری، آثاری مخرب بر فرهنگ و زندگی مردم دارد. شهر زمانی با منزلت همراه است که شهروندان در آن احساس زیبایی و آرامش داشته باشند (رحمانی‌فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۴: ۱۸۸). از سوی دیگر، به‌کارگیری مناسب و اصولی مبلمان سبب سیر صعودی تعداد کاربران، استفاده بهینه از این کاربری‌ها، تخریب‌گرایی در فضاهای عمومی، کیفیت پایین مبلمان شهری و ایجاد فضاهای شهری مرده می‌شود (زنگی‌آبادی و تبریزی، ۱۳۸۷: ۴۶)؛ از این‌رو، اغلب نظریه‌پردازان معتقدند ارتقای فضاهای عمومی شهری و تجهیز آن‌ها با اثاثیه مناسب شهری، از وظایف حوزه عمومی است (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). از دیدگاه بیشتر پژوهشگران (سعیدنیا، ۱۳۷۹؛ حبیبی، ۱۳۷۹ و...) برنامه‌ریزی و طراحی مبلمان مناسب در فضاهای عمومی شهری مستلزم شناخت، تحلیل وضعیت موجود و ارائه راهبردهای مناسب مکانی است.

1. Linch  
2. Rappaport

مهم‌ترین رویکردهای معاصر مرتبط با فضاهای عمومی شهری بر مبنای گرایش غالب موضوعی (نه زمان تقویمی نظریه‌پردازی) در سه دوره اصلی پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ و از ۱۹۹۰ تاکنون دسته‌بندی شده است (جدول ۱). براین اساس مشخص می‌شود در دوره اول تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری و در دوره دوم بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی-رفتاری فضاهای شهری بوده است. درحالی‌که در دوران اخیر با تثبیت نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری، بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها بر ملاحظات زیست‌محیطی-پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمرو عمومی مبتنی است. به عبارت دیگر، بررسی روند تحول نظریه‌ها و رویکردهای غالب در سه دوره مذکور نشان می‌دهد با گذشت زمان، هم به حضور انسان به‌عنوان عامل اصلی ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای شهری توجه بیشتری شده و هم تمرکز از ویژگی‌های کمی انسانی به شاخص‌های کیفی مانند ایجاد امنیت و پایداری محیطی تغییر یافته است.

جدول ۱. خلاصه مهم‌ترین صاحب‌نظران و رویکردهای مرتبط با فضاهای عمومی شهری

دوره زمانی	رویکرد غالب	مهم‌ترین صاحب‌نظران
دوره اول؛ انقلاب صنعتی تا ۱۹۶۰	تأکید بر ادراک فضایی و بصری	کامیلوسیت، گوردون، کالن، کریر، روسی، الکساندر، ماتین، مدنی‌پور، جهان‌شاه پاکزاد
دوره دوم؛ ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰	تأکید بر تأثیرات محیطی-رفتاری	لینچ، راپاپورت، پاسینی، التمنت، هولویل، مور، لنگ، بحرینی
دوره سوم؛ ۱۹۹۰ تا کنون	رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی	آرنت، زوکر، جیکوبز، رایت، گل، اولدنبرگ
	تأکید بر حرکت در فضای شهری و گسترش پیاده‌روی	گارنیه، رگن، هالپرن، بیکن، هیلپیر
	رویکرد ایجاد امنیت و مقیاس انسانی در فضای شهری	مامفورد، تیبالدز، دوآنی، کتز، برنان
	ملاحظات زیست‌محیطی و پایداری	چرمایف، هاکتون، هانتز، بارتون

منبع: آزادخانی و طهماسبی‌نیا، ۱۳۹۵؛ کاشانی‌جو، ۱۳۸۹

## روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی-توسعه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری آن نیز ساکنان شهر زاهدان را شامل می‌شود که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ مشتمل بر ۵۸۷.۷۳۰ نفر هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران<sup>۱</sup>، ۳۲۳ نفر به‌دست آمد. توزیع پرسشنامه‌ها در سطح مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان به روش نمونه‌برداری تصادفی ساده صورت گرفت و این پرسشنامه‌ها متناسب با جمعیت هر منطقه در سطح مناطق توزیع شد. پس از تأیید اعتبار و روایی پرسشنامه به کمک دیدگاه‌های متخصصان، برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای هر گروه از عامل‌ها و شاخص‌ها بدین شرح است: کیفیت محیط ۰/۸۶۴، تناسب و زیبایی ۰/۷۷۵، جانمایی صحیح مبلمان ۰/۷۸۲ و ساختار ناموزون شهری ۰/۸۷۶. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده، از آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای و ضریب هم‌بستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. برای سطح‌بندی مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان از نظر مؤلفه‌های مبلمان شهری نیز مدل ویکور به کار گرفته شد.

## محدوده مورد پژوهش

شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان، از نظر موقعیت جغرافیایی روی طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی قرار دارد (شکل ۲). جمعیت این شهر براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۵۸۷.۷۳۰ نفر اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهر شامل ۵ منطقه، ۵۵ ناحیه و ۱۱۰ محله است که در جدول ۲، جمعیت، مساحت و تعداد پرسشنامه توزیع شده به تفکیک مناطق پنج‌گانه آن آمده است. همچنین برای درک بهتر موضوع، خسارت به سازمان اتوبوس‌رانی این شهر در سال ۱۳۹۵ (جدول ۳) قابل مشاهده است.

جدول ۲. جمعیت، مساحت و تعداد پرسشنامه به تفکیک مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان

مناطق	جمعیت (نفر)	مساحت (هکتار)	تعداد پرسشنامه
منطقه ۱	۹۶۵۳۵	۱۸۱۴	۵۳
منطقه ۲	۱۱۲۹۲۶	۶۷۹	۶۲
منطقه ۳	۱۵۹۳۶۲	۱۵۴۵	۸۷
منطقه ۴	۱۱۴۰۸۸	۱۸۶۲	۶۳
منطقه ۵	۱۰۴۸۱۹	۲۲۲۳	۵۸
شهر زاهدان	۵۸۷۷۳۰	۸۱۲۳	۳۲۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵؛ نگارندگان، ۱۳۹۶

جدول ۳. خسارت به سازمان اتوبوس‌رانی شهر زاهدان در سال ۱۳۹۵

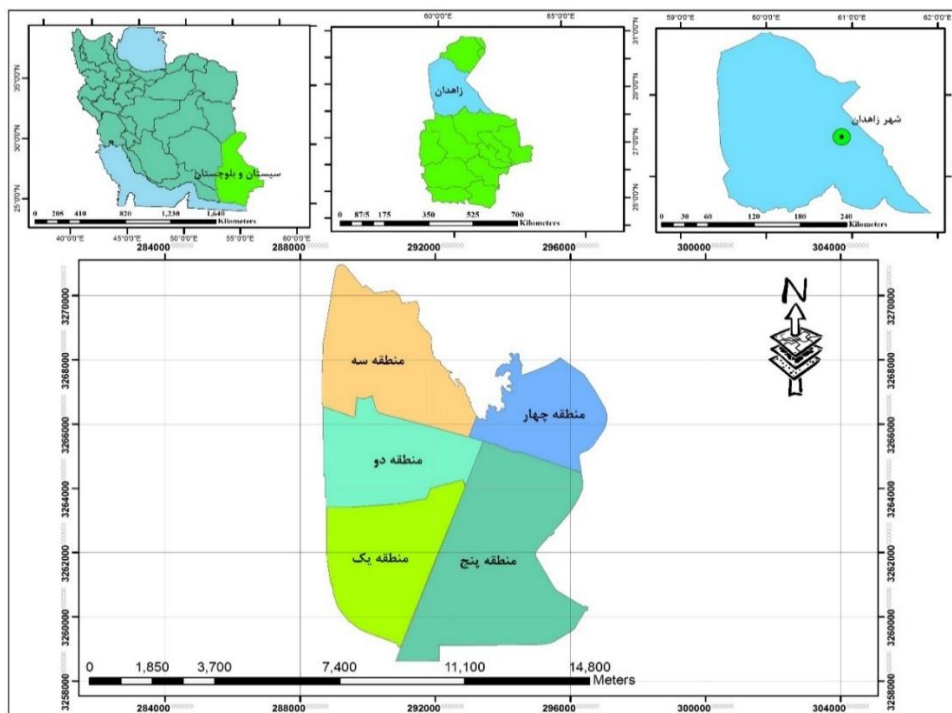
ردیف	نوع خسارت	تعداد	هزینه (ریال)	توضیحات
۱	تخریب شیشه اتوبوس‌ها	۱۰	۳۰۰۰۰۰۰	همه مسیرها
۲	تخریب صندلی‌ها	۲۰۰	۳۲۰۰۰۰۰۰	همه مسیرها
۳	تخریب جداره داخلی اتوبوس	۶	۱۸۰۰۰۰۰	مجذبه، جام‌جم، خیام، کوی قدس، کوی کارگران، سپاه، ترمینال بلوار بعثت
۴	تخریب ایستگاه‌های اتوبوس	۲۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	بلوار خرمشهر، شهید رجایی، خیابان امام خمینی، زیباشهر
۵	تخریب تابلو ایستگاه‌های اتوبوس	۵۰	۱۵۰۰۰۰۰	همه مسیرها
۶	جمع هزینه‌ها		۲۳۸۳۰۰۰۰۰	

منبع: روستا، ۱۳۹۷



شکل ۱. نمایشی از وضعیت مبلمان شهری در سطح شهر زاهدان





شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه

منبع: استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶؛ نگارندگان، ۱۳۹۶

## نتایج و یافته‌ها

در پژوهش حاضر به منظور سنجش مبلمان شهری از بیشتر مؤلفه‌ها در قالب چهار بعد «کیفیت محیط»، «زیبایی و تناسب»، «جانمایی صحیح» و «ساختار ناموزون شهری» استفاده شد. در ادامه، برای تحلیل مؤلفه‌های مبلمان شهری، آزمون T تک‌نمونه‌ای و ضریب هم‌بستگی پیرسون به کار گرفته شد که به شرح زیر است:

### تحلیل سطح ارزیابی شهروندان از مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری

براساس نتایج به‌کارگیری آزمون T تک‌نمونه‌ای در مؤلفه‌های مربوط به عامل کیفیت محیط مقدار بیشتر مؤلفه‌ها کمتر از مقدار تعیین‌شده اولیه آزمون، یعنی ۳ است؛ به طوری که وضعیت مؤلفه‌های موقعیت و منظر محل سکونت و وضعیت ساختمان‌ها و اجزای شهری از دیگر مؤلفه‌ها بالاتر است. مؤلفه روشنایی محل سکونت نیز در پایین‌ترین وضعیت قرار دارد. همچنین وضعیت کلی شاخص کیفیت محیط با میانگین  $2/63$  در پایین‌ترین سطح از مقدار اولیه آزمون است. در حالی که سطح معناداری همه مؤلفه‌ها کمتر از  $0/05$  است. دلیل پایین بودن این شاخص را می‌توان قرارگیری عناصر مغایر با طراحی ساختمان و بدنه شهری - چه از نظر شکل و چه از نظر مصالح به‌کاربرده‌شده - دانست که منجر به آشفته‌گی بصری در سیمای شهر و به تبع آن دل‌زدگی شهروندان و کاهش حس تعلق شده است. همچنین نحوه روشنایی و نورپردازی مراکز و خیابان‌های شهری به نحوی است که شهروندان در مکان‌های تاریک و شب احساس ناامنی می‌کنند؛ از این رو مدیریت شهری با نورپردازی و روشنایی مناسب نقاط مختلف شهر، ضمن جلب رضایت شهروندان می‌تواند از پیشامدهای ناخوشایند امنیتی جلوگیری کند و با شیوه‌های جدید نورپردازی بر جلوه و زیبایی شهری بیفزاید.

ارزیابی پاسخگویان از چهار مؤلفه مربوط به عامل زیبایی و تناسب مبلمان شهری نشان می‌دهد همه مؤلفه‌های مربوط به این عامل پایین‌تر از حد است؛ از این‌رو میانگین مؤلفه شکل فرم و زیبایی در وضعیت بهتری از سایر مؤلفه‌ها قرار دارد. مؤلفه رنگ‌بندی چراغ راهنمایی، تابلوهای اسامی معابر و تابلوهای راهنمایی و رانندگی از این حیث در رتبه بعدی جای می‌گیرد. همچنین سطح معناداری همه مؤلفه‌ها پذیرفته و کمتر از ۰/۰۵ است. میانگین کلی شاخص شکل فرم و زیبایی نیز ۲/۲۹ و نشان‌دهنده پایین بودن این شاخص در شهر زاهدان است. مؤلفه‌های شکل و فرم زیبایی و رنگ عناصر و تناسب رنگ آن‌ها با محیط به ترتیب با مقادیر میانگین ۲/۵۲ و ۲/۰۲، بیشترین و کمترین میانگین را دارند. براین اساس مهم‌ترین دلیل نارضایتی شهروندان زاهدانی در این زمینه به رنگ‌های متعدد در مبلمان شهری، زنگ‌زدگی برخی از این عناصر و القاشدن حس یا مفهومی خاص مربوط است که این امر به ناامنی شهروندان و کاهش کیفیت محیط منجر می‌شود.

در میان مؤلفه‌های چهارگانه عامل جانمایی صحیح مبلمان، سطح معناداری همه مؤلفه‌ها به جز دسترسی راحت افراد معلول به عناصر مبلمان شهری، در سطحی پذیرفته (کمتر از ۰/۰۵) قرار دارد. میانگین همه مؤلفه‌ها در این عامل پایین‌تر از مقدار تعیین‌شده آزمون، یعنی ۳ است. همچنین مؤلفه‌های جانمایی صحیح مبلمان شهری و جانمایی ایستگاه‌های اتوبوس در سطح شهر در وضعیت مطلوب‌تری از دیگر مؤلفه‌ها قرار دارد. میانگین کلی عامل جانمایی صحیح مبلمان نیز ۲/۵۳ است؛ از این‌رو مؤلفه‌های جانمایی صحیح مبلمان شهری و توزیع عناصر مبلمان شهری در سطح شهر به ترتیب با مقادیر میانگین ۲/۶۵ و ۲/۳۴ بیشترین و کمترین میانگین را دارند. همان‌طور که در بسیاری از مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان مشاهده می‌شود، تعداد زیاد عناصر و اجزای محیطی، بدون برنامه‌ریزی خاص سبب آشفتگی و شلوغی بیش از حد محیط شده است. افزون بر آنچه بیان شد، به‌منظور دسترسی افراد معلول به عناصر مبلمان شهری در محدوده بعضی خیابان‌ها، خط‌های زردرنگ کشیده شده که به دلیل اشغال شدن پیاده‌روها توسط فروشگاه‌ها و حفاری‌هایی در محدوده آن‌ها نارضایتی شهروندان را به دنبال داشته است. همچنین توزیع عناصر مبلمان شهری و ایستگاه‌های اتوبوس در محدوده شهر زاهدان به نحوی مطلوب صورت نگرفته است؛ به‌گونه‌ای که برخی مناطق (۱ و ۳) از این حیث وضعیت مطلوب‌تری دارند.

براساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای، مقدار میانگین همه مؤلفه‌های مربوط به عامل «ساختار ناموزون شهری»، پایین‌تر از مقدار میانگین تعیین‌شده آزمون است؛ به‌طوری‌که مؤلفه کف‌پوش خیابان‌ها و پیاده‌روها در وضعیت بهتری از سایر مؤلفه‌ها قرار دارد. میانگین کلی عامل ساختار ناموزون شهری نیز ۲/۳۴ است. همچنین سطح معناداری همه مؤلفه‌ها قابل قبول است که می‌توان این امر را به کل جامعه نمونه تعمیم داد. کمترین و بیشترین مقدار میانگین نیز به ترتیب به مؤلفه‌های فضای کافی برای پیاده‌روی و قدم‌زنی در شهر، با مقدار ۲/۱۹ و کف‌پوش خیابان‌ها و پیاده‌روها با میانگین ۲/۴۹ مربوط است (جدول ۴). با توجه به اینکه پیاده‌روها یکی از فضاهای عمومی در مطالعات مبلمان شهری محسوب می‌شوند، می‌توان با عملکرد مناسب آن‌ها، بستر افزایش تعاملات اجتماعی، اعتماد بیشتر اعضای جامعه و افزایش احساس تعلق به شهر را که همواره از دغدغه‌های مدیران شهری زاهدان و از مؤلفه‌های اصلی تقویت هویت و رضایت‌مندی شهروندی است فراهم کرد، اما در شهر زاهدان شهروندان به‌شدت از فضای کم پیاده‌روها، کف‌پوش خاکی

برخی پیاده‌روها، سد معابر توسط مصالح ساختمانی و اجناس مغازه‌ها و حتی دیوی مصالح ساختمانی در مسیر پیاده‌روها در بیشتر نقاط شهر که موانع متعددی را برای رفت‌وآمد عابران به‌وجود آورده است شکایت دارند.

جدول ۴. مؤلفه‌های مبلمان شهری در بهبود کیفیت محیط

شاخص	گویه‌ها	میانگین	T	Sig (معنی- داری)	اختلاف میانگین	با ضریب اطمینان ۹۵٪	
						حد پایین	حد بالا
کیفیت محیط	موقعیت و منظر محل سکونت	۲/۵۷	-۷/۵۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۰	-۰/۵۴۲	-۰/۳۱۷
	روشنایی محل سکونت	۲/۲۵	-۱۳/۹۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۴۵	-۰/۸۴۹	-۰/۶۴۰
	وضعیت ساختمان‌ها و اجزاء شهری (خیابان‌ها، پارک‌ها و غیره)	۲/۵۶	-۸/۲۹	۰/۰۳۵	-۰/۴۳۷	-۰/۵۴۱	-۰/۳۳۳
	جمع	۲/۶۳	-۱۱/۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۰	-۰/۴۳۰	-۰/۳۰۹
زیبایی و تناسب مبلمان شهری	شکل و فرم زیبایی	۲/۵۲	-۱۰/۴۶	۰/۰۰۰	-۰/۴۸۰	-۰/۵۷۰	-۰/۳۸۹
	رنگ عناصر و تناسب رنگ آنها با محیط	۲/۰۴	-۱۰/۳۷	۰/۰۲۷	-۰/۹۵۵	-۱/۱۳	-۰/۷۷۴
	استفاده از رنگ‌های جذاب و زیبایی در نما و فضای بیرونی ساختمان‌ها	۲/۱۶	-۱۸/۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۸۳۷	-۰/۹۲۸	-۰/۷۴۶
	رنگ‌بندی چراغ راهنمایی، تابلوهای اسامی معابر، تابلوهای راهنمایی رانندگی و ستون‌های تبلیغاتی	۲/۴۶	-۱۱/۷۱	۰/۰۰۲	-۰/۵۳۲	-۰/۶۲۱	-۰/۴۴۳
جانمایی صحیح مبلمان شهری	جمع	۲/۲۹	-۱۷/۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۷۰۱	-۰/۷۷۸	-۰/۶۲۴
	جانمایی مناسب عناصر مبلمان شهری	۲/۶۵	-۵/۹۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۰	-۰/۴۶۶	-۰/۲۲۳
	دسترسی راحت افراد معلول به عناصر مبلمان شهری	۲/۵۴	-۸/۰۸	۰/۰۶۳	-۰/۴۵۵	۰/۵۶۵	-۰/۳۴۴
	توزیع عناصر مبلمان شهری در سطح شهر	۲/۳۴	-۷/۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۶۶۰	-۰/۸۳۹	-۰/۴۸۰
ساختار ناموزون شهری	جانمایی ایستگاه‌های اتوبوس در سطح شهر	۲/۵۹	-۷/۹۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۷	-۰/۵۰۸	-۰/۳۰۶
	جمع	۲/۵۳	-۱۱/۴۲	۰/۰۲۷	-۰/۴۶۸	-۰/۵۴۸	-۰/۳۸۷
	کفپوش خیابان‌ها و پیاده‌روها	۲/۴۹	-۱۰/۴۶	۰/۰۰۴	-۰/۵۰۲	-۰/۵۹۵	-۰/۴۰۹
	فضای کافی برای پیاده‌روی و قدم‌زنی در شهر	۲/۱۹	-۱۷/۶۶	۰/۰۰۰	-۰/۸۱۰	-۰/۹۰۰	-۰/۷۱۹
ساختار ناموزون شهری	ناراحتی از آلودگی‌های ناشی از خانه‌های متروکه و نوشته و کاغذهای روی دیوار	۲/۳۶	-۱۲/۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۶۴۰	-۰/۷۴۳	-۰/۵۳۷
	کارایی سیستم دفع فاضلاب و جمع‌آوری زباله	۲/۳۴	-۱۲/۶۱	۰/۰۳۷	-۰/۶۵۵	-۰/۷۵۷	-۰/۵۵۲
	جمع	۲/۳۴	-۱۶/۶۶	۰/۰۰۰	-۰/۶۵۱	-۰/۷۲۸	-۰/۵۷۵

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

### هم‌بستگی متقابل عوامل چهارگانه مبلمان شهری و شاخص رضایت‌مندی

به‌منظور تعیین روابط متقابل عوامل چهارگانه مبلمان شهری (کیفیت محیط، زیبایی و تناسب، جانمایی صحیح مبلمان شهری و ساختار ناموزون شهری) همچنین ارتباط این عوامل با شاخص رضایت‌مندی، از آزمون هم‌بستگی پیرسون و سطح معناداری مربوط به آن استفاده شد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد در تمامی موارد، میان عوامل چهارگانه مبلمان شهری و شاخص رضایت‌مندی رابطه معناداری وجود دارد. در میان این عوامل، بیشترین هم‌بستگی به عامل‌های جانمایی صحیح مبلمان شهری و ساختار ناموزون شهری با ضریب هم‌بستگی ۰/۴۸۱ مربوط است. براساس نتیجه محاسبه ضریب هم‌بستگی هر یک از عامل‌های مبلمان شهری با شاخص رضایت‌مندی، بیشترین ضریب هم‌بستگی به ارتباط عامل جانمایی صحیح مبلمان شهری با شاخص رضایت‌مندی تعلق دارد که ۰/۷۸۶ است (جدول ۵).

جدول ۵. هم‌بستگی عامل‌های چهارگانه مبلمان شهری و شاخص رضایت‌مندی

عامل	موضوع	کیفیت محیط	زیبایی و تناسب	جانمایی صحیح مبلمان شهری	ساختار ناموزون شهری	رضایت‌مندی
کیفیت محیط	همبستگی	۱	۰/۳۵۷	۰/۴۱۷	۰/۴۱۹	۰/۶۸۹
	سطح معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
زیبایی و تناسب	همبستگی	۰/۳۵۷	۱	۰/۴۲۵	۰/۴۵۱	۰/۷۵۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جانمایی صحیح مبلمان شهری	همبستگی	۰/۴۱۷	۰/۴۲۵	۱	۰/۴۸۱	۰/۷۸۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ساختار ناموزون شهری	همبستگی	۰/۴۱۹	۰/۴۵۱	۰/۴۸۱	۱	۰/۷۷۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰
رضایت‌مندی	همبستگی	۰/۶۸۹	۰/۷۵۰	۰/۷۸۶	۰/۷۷۷	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

### سطح‌بندی مناطق پنج‌گانه زاهدان از نظر مؤلفه‌های رضایت از مبلمان شهری

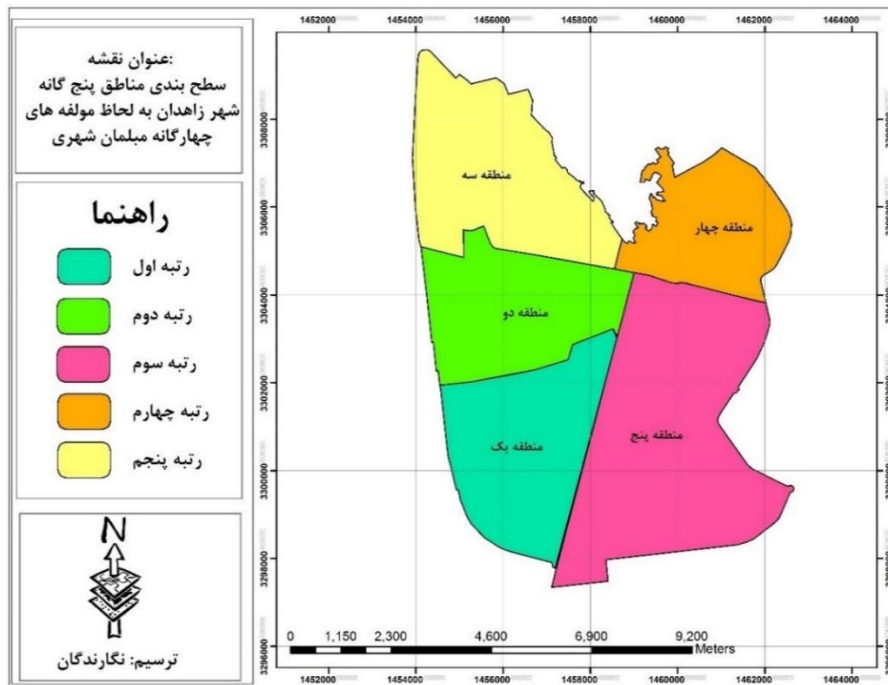
به‌منظور پاسخ به پرسش سوم پژوهش مبنی بر اینکه وضعیت مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان از نظر مؤلفه‌های رضایت از مبلمان شهری در چه سطحی قرار دارد، از مدل ویکور<sup>۱</sup> استفاده شد. بدین‌منظور ابتدا با استفاده از نرم‌افزار SPSS، میانگین‌گیری شاخص‌ها در سطح مناطق صورت گرفت که به‌عنوان ماتریس داده‌های خام در این مدل استفاده شده‌اند. همچنین برای تعیین وزن هر یک از شاخص‌های چهارگانه رضایت از مبلمان شهری، پس از نظر کارشناسان و متخصصان شهری از مدل AHP و نرم‌افزار Expert Choice استفاده شد تا وزن‌دهی هر یک از شاخص‌ها صورت بگیرد. درنهایت نیز به‌کمک مدل مذکور رتبه مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان مشخص شد. در این مدل، رتبه‌بندی براساس مقدار Q انجام می‌شود. بدین‌صورت که هر گزینه‌ای که کمترین مقدار ویکور را دارد، با بالاترین رتبه همراه خواهد بود. یافته‌های این مدل نشان می‌دهد مناطق ۱ و ۳ شهر زاهدان به‌ترتیب با ضریب ۰/۰۳۶ و ۱/۰۰۰ در بهترین و بدترین وضعیت از نظر شاخص‌های رضایت از مبلمان شهری قرار دارند (جدول ۶)؛ بنابراین می‌توان گفت توزیع نامناسب عناصر مبلمان شهری در سطح مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان، نوعی بی‌عدالتی فضایی را در بهره‌مندی از امکانات رفاهی برای ساکنان شهر زاهدان ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که مناطق ۱ و ۵ از نظر عناصر مبلمان شهری در سطح بالای توسعه و مناطق ۳ و ۴، در برخورداری از این خدمات و توسعه‌یافتگی، در وضعیت نامناسبی قرار دارند (شکل ۳). این امر منجر به بروز پدیده وندالیسم شده است که به‌دنبال آن دولت و به‌ویژه شهرداری شهر زاهدان سالانه مبالغ زیادی را متضرر می‌شوند. از سوی دیگر، نارضایتی از پراکنش مؤلفه‌های مبلمان شهری در مناطق شهر زاهدان سبب کاهش کیفیت زندگی شهروندان شده است؛ زیرا کیفیت زندگی، و ارزیابی و ادراک شهروندان از وضعیت زندگی خود متأثر از نظام فرهنگی و ارزشی جامعه است. این ادراک باید با منابع، امکانات و اهداف افراد در زندگی تطابق داشته باشد. در این صورت فرد از دغدغه‌های اولیه زندگی رهایی می‌یابد و به‌سوی مجاری ارتباطی سوق داده می‌شود. به‌مرور زمان نیز

احساس تصویری مشترک از آینده و تصور مثبت به اجتماع در او شکل می‌گیرد. در این میان، منابع و امکانات شهری برای هر شهروند می‌تواند این تصور مثبت و همراه آن کیفیت زندگی مطلوب را به دنبال داشته باشد.

جدول ۶. رتبه‌بندی مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان از نظر مؤلفه‌های مبلمان شهری

رتبه	Qi	Rj	Sj	مناطق
۱	۰/۰۳۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	منطقه ۱
۲	۰/۰۴۴	۰/۰۶۴	-۰/۰۵۳	منطقه ۲
۵	۱/۰۰۰	۰/۵۶۰	۰/۸۹۶	منطقه ۳
۴	۰/۸۵۷	۰/۴۳۲	۰/۸۴۷	منطقه ۴
۳	۰/۱۴۷	۰/۰۷۹	۰/۱۱۷	منطقه ۵

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۳. سطح بندی مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان از نظر مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

## نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر تحلیل مؤلفه‌های مبلمان شهری (کیفیت محیط، جانمایی صحیح مبلمان، تناسب و زیبایی و ساختار ناموزون شهری) و تأثیر آن بر سطح رضایت‌مندی شهروندان شهر زاهدان است. براساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای، مقدار میانگین عددی مؤلفه‌های چهارگانه مبلمان شهری کمتر از مقدار میانگین مفروض آزمون است؛ به‌گونه‌ای که وضعیت عامل کیفیت محیط با میانگین ۲/۶۳ از عامل‌های جانمایی صحیح مبلمان، ساختار ناموزون شهری و زیبایی، مطلوب‌تر است. در مرحله بعد، تأثیر عوامل چهارگانه مبلمان شهری بر شاخص رضایت‌مندی با استفاده از آزمون ضریب

همبستگی پیرسون بررسی شد. براین اساس مناطق ۱ و ۳ شهر زاهدان به ترتیب با ضریب  $0/036$  و  $1/000$  در بهترین و بدترین وضعیت از نظر شاخص‌های مبلمان شهری قرار دارند.

با توجه به یافته‌های پژوهش که میزان پایین بودن رضایت‌مندی از مبلمان شهری را نشان می‌دهد، این پژوهش با یافته‌های محمدی و پیشگر (۱۳۹۷) و زیاری و همکاران (۱۳۹۲) هم‌سوست. نتایج پژوهش حمزه و همکاران (۱۳۹۶) نیز با نتایج این پژوهش هم‌خوانی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد طراحی مبلمان شهری مطلوب به کمک زیباسازی ریخت شهری، کاهش حوادث غیرمنتظره و ناخوشایند و تأمین رفاه گردشگران، سبب ایجاد جذابیت و آفرینش ذهنی مطلوب برای گردشگران می‌شود و با کمک به جذب گردشگر، اقتصاد شهری را نیز ارتقا می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به رعایت نکردن اصول اقلیمی و اجتماعی در طراحی مبلمان شهری محدوده مورد مطالعه، نتایج این پژوهش با نتایج تیوپولما (۲۰۱۴) و راسیدی و همکاران (۲۰۱۲) هم‌خوانی دارد. در پایان، براساس یافته‌های پژوهش مسائل کالبدی در طراحی مبلمان محدوده به‌طور قابل‌توجهی بیش از مسائل زیباشناسی مدنظر است. از این نظر، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مهدیزاده (۱۳۹۱) مبنی بر تأکید بیش‌ازحد بر عوامل کالبدی و عملکردی و غفلت از پرداختن به ابعاد کیفی و زیباشناختی محیط شهری مطابقت دارد.

درمجموع می‌توان گفت وضعیت مبلمان شهری در شهر زاهدان در سطح نامطلوبی قرار دارد. این امر نشان می‌دهد در بسیاری از فضاهای شهری به روابط و نیازهای شهروندان توجهی نشده است. امکانات مفید و باکیفیت برای حضور مردم از فضاهای عمومی و استفاده از آن‌ها نیز بسیار محدود و ناچیز است؛ از این‌رو مبلمان شهری می‌تواند بر کیفیت کنش‌های انسان‌ها در فضای عمومی شهرها تأثیرگذار باشد؛ زیرا کنش‌های انسان‌ها به ذهنیت و بازنمایی ذهنی جهان بیرون آن‌ها بسیار وابسته است و می‌تواند بستر ورود شخصی با قلب پاک و لطیف، یا قلبی آشفته را به فضای عمومی فراهم کند. به عبارت دیگر، بهره‌مندی شهرها از مرتبه‌های متفاوت مبلمان‌ها (جایگاه فیزیکی) می‌تواند در برخورداری آن شهر از ذهنیت‌ها و ادراکات (قلب‌های لطیف) گوناگون تأثیرگذار باشد. هر قدر این ادراکات و ذهنیت‌های ساکنان شهر لطیف‌تر باشد تأثیر بیشتری بر ارتقای کیفیت زندگی ذهنی آن‌ها دارد. مبلمان یک شهر می‌تواند نقشی مهم در این فرایند داشته باشد. پژوهش حاضر نیز با بررسی کیفیت موجود این عامل در سطوح مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان، همچنین عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت آن‌ها برای جلب رضایت‌مندی ساکنان، مطالبی را در زمینه برخورداری شهر زاهدان از جایگاه فیزیکی مطلوب‌تر ارائه می‌کند تا رضایت ذهنی شهروندان از کیفیت زندگی خویش را افزایش دهند.

## منابع

- احمدآخوندی، عباس و همکاران، ۱۳۹۳، «سنجش کیفیت زندگی شهری در کلان‌شهر تهران»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره نوزدهم، شماره ۲، صص ۵-۲۲.
- اسدی، لادن، حسینی، علی و مهدی مرادی، ۱۳۹۴، بررسی نقش مبلمان شهری در آرامش توریسم مذهبی؛ نمونه موردی: خیابان امام رضا (ع) (مشهد مقدس، هفتمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر راهبردهای توسعه شهری، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- اشرفی، یوسف و همکاران، ۱۳۹۳، «مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره دوم، شماره ۴، صص ۴۳۵-۴۶۴.
- افراد، کاظم، ۱۳۹۵، «مبلمان شهری و کاهش احتمال وقوع جرم در فضاهای شهری جرم‌خیز (مطالعه موردی: بوستان کارگران شهر بیرجند)»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۲۳-۵۱.
- امیری، حکمت، بیرانوندزاده، مریم و مهدی خداداد، ۱۳۹۵، «رضایت‌مندی شهروندان از کیفیت مبلمان پارک‌های محلات شهری در کلان‌شهر تهران»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۴۷-۵۶.
- آزادخانی، پاکزاد و زهرا طهماسبی‌کیا، ۱۳۹۵، بررسی نقش و عملکرد مبلمان شهری در ارتقای کیفیت محیط شهری و رضایت‌مندی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهرداری کرمانشاه)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۹۳-۱۱۰.
- پرهیزکار، فرهاد، ۱۳۹۳، «نقش مبلمان شهری در خدمات‌رسانی به شهروندان»، راه ابریشم، سال نوزدهم، شماره ۱۵۹، صص ۵۱-۵۲.
- پورمحمدی، محمدرضا و روشن کوشانه، ۱۳۹۲، «ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس (مطالعه موردی: شهر تبریز)»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۳۷-۵۲.
- پیری، عیسی و همکاران، ۱۳۹۴، «تأثیر کیفیت نقشه ذهنی بر امنیت اجتماعی خانواده در فضاهای عمومی شهر؛ مطالعه‌ای در کلان‌شهر تبریز»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۱، صص ۵۰-۷۰.
- حکمت‌نیا، حسن و همکاران، ۱۳۹۳، «سطح‌بندی توسعه‌یافتگی محله‌های شهری با تأکید بر رضایت‌مندی استاندارد مبلمان شهری (مطالعه موردی: محله‌های شهر ابرکوه)»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره دوم، شماره ۴، صص ۵۰۱-۵۱۹.
- رحمانی‌فیروزجاه، علی و سعدیه سهرابی، ۱۳۹۴، «بررسی جامعه‌شناسی رابطه بین مبلمان شهری و کیفیت زندگی»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۷۹-۲۰۰.
- زنگی‌آبادی، علی و نازنین تبریزی، ۱۳۸۷، «تحلیل فضایی مبلمان شهری محدوده گردشگری بخش مرکزی شهر اصفهان»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره اول، صص ۴۵-۶۶.
- زیاری، کرامت‌اله، مهدی، علی و معصومه مهدیان بهنمیری، ۱۳۹۲، «بررسی و تحلیلی بر مبلمان شهری از دریچه شهروندی و عملکرد مدیریت شهری (مورد پژوهش: شهر مهاباد)»، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۷-۲۸.
- سلیمانی، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۶، «بررسی تأثیر طراحی شهری بر رفتار و اخلاق شهروندان (مطالعه موردی: خیابان‌های امام، مدرس و کاشانی ارومیه)»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۲۸۹-۳۱۴.

- شفیعی‌ثابت، ناصر و نگین‌سادات میرواحدی، ۱۳۹۶، «رتبه‌بندی رضایتمندی از مسکن روستایی با استفاده از تکنیک ویکور (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۷۲.
- کارگر، بهمن، زیویار، پروانه و حمید بحیرایی، ۱۳۹۶، «بررسی و ارزیابی میزان رضایتمندی شهروندان از استانداردهای مبلمان شهری (مطالعه موردی: ناحیه ۲، منطقه ۲ شهر تهران)»، مدیریت شهری، سال شانزدهم، شماره ۴۶، صص ۳۰۷-۳۲۰.
- کاشانی‌جو، خشایار، ۱۳۸۹، «بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۹۵-۱۰۶.
- کیانی، اکبر، پاسبان‌عیسی‌لو، وحید و لیلا گهرمیر، ۱۳۹۶، «بررسی و تحلیل فضای عمومی شهری با استفاده از مدل استنتاج منطق فازی (موردشناسی: ناحیه ۱ و ۲ شهر زابل)»، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۲۵، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- لحمیان، رضا، عبوری، مهدی و معصومه براری، ۱۳۹۲، «نقش مبلمان شهری در توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهر ساری)»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- محمدی، علیرضا و الهه پیشگر، ۱۳۹۷، تحلیل وضعیت مبلمان شهری و سنجش رضایتمندی شهروندان (مطالعه موردی: حاشیه رودخانه بالیخی‌چای، شهر اردبیل)، آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۱-۲۰.
- محمدی، ندا و ملیحه تقی‌پور، ۱۳۹۴، «نقش مبلمان شهر در سرزندگی پیاده‌راه‌های بافت تاریخی (نمونه موردی: خیابان حافظیه و شهرداری)»، دوفصلنامه پژوهش‌های منظر شهر، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۹-۹۶.
- مشیری، سیدرحیم، رحمانی، بیژن و قربان اسلامی‌راد، ۱۳۹۳، «مقایسه تطبیقی منظر بافت‌های شهر براساس شاخص‌های مبلمان شهری (مطالعه موردی: شهر بهشهر)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، چشم‌انداز زاگرس، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۸۱-۹۸.
- همتیان، نغمه، ۱۳۹۶، «شهر-اینستاگرام: رسانه جدید و درک اجتماعی از فضاهای عمومی»، نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۸، صص ۱۴۳-۱۵۸.
- یوسف‌زاده، زهره، پارسایی، جابر و راحله افشار، ۱۳۹۳، «بررسی و مطالعه رضایتمندی شهروندان از کیفیت مبلمان شهری (مورد مطالعه: نواحی ۳ و ۷ منطقه یک تهران)»، پژوهش‌های دانش زمین، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۰-۴۳.
- Bulut, Y., and Atabeyoglu, O., 2007, *Fountains as Urban Furniture in Historical Urban Structure and Usage Culture: Erzurum City Case*, Building and Environment, Vol. 42, No. 6, PP. 2432-2438.
- Bulduk, B., 2012, *An Analysis of the Use of Urban Furniture in City Advertising in Terms of Aesthetic/ Visual Appreciation Training: City Design*, Social and Behavioral Sciences, Vol. 46, PP. 3279-3283.
- Rasidia, M. H., Jamirsahb, N., and Ismail, S., 2012, *Urban Green Space Design Affects Urban Residents Social Interaction*, Social and Behavioral Sciences, Vol. 68, PP. 464-480. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.12.242>
- Ziyae, M., 2017, *Assessment of Urban Identity Through a Matrix of Cultural Landscapes*, Cities, Vol. 84, 1-11, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.10.021>.
- Wardono, P., and Soelami, F., 2016, *Effects of Luminous Furniture on Mood*, Social and Behavioral Sciences, Vol. 222, PP. 342-350. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.178>
- Abdul Wahab, M. H. et al., 2015, *Malay Furniture: Design, Function and Meaning*, Social and Behavioral Sciences, Vol. 202, PP. 285-293. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.232>



- Nigro, H. O., González Císaro, S., 2016, *The Citizen Satisfaction Index: Adapting the Model in Argentine Cities*, Cities, Vol. 56, PP. 85-90. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.03.010>
- Afradi, K., 2016, *Urban Furniture and Reducing the Probability of Occurrence of Crime in Urban Spaces of Crime (Case Study: Birjand Kargaran Booth)*, Journal of Law Enforcement, Vol. 5, No. 3, PP. 23-51. (In Persian)
- Amiri, K., Biranvandzadeh, M., and Khodad, M., 2016, *Citizens' Satisfaction with the Quality of Furniture in the Inner City Parks in Tehran*, Journal of Urban Management Studies, Vol. 8, No. 28, PP. 47-56. (In Persian)
- Ashrafi, Y. et al., 2014, *Conceptualization And Typology Of Contemporary Urban Public Space*, Geographical Urban Planning Research, Vol. 2, No. 4, PP. 435-464. (In Persian)
- Azadkhani, P., and Tahmasbi Kiya, Z., 2016, *Examine the Role and Function of Urban Furniture Urban Environment and Enhance the Quality o Citizens' Satisfaction (Case Study: Kermanshah Municipal District 4)*, Urban Research and Planning, Vol. 7, No. 27, PP. 93-110. (In Persian)
- Babaiaghdam, F., Eghbal, M., and Omrani, M., 2014, *An Income to Understand Urban Furniture Elements*, Edition 1. (In Persian)
- Bonenberg, W., 2015, *Public Space in the Residential Areas: The Method of Social Spatial Analysis*, Procedia Manufacturing, Vol. 3, PP. 1720-1727. <https://doi.org/10.1016/j.promfg.2015.07.493>
- Gibbins, J., and Oberholzer, B., 1991, *Urban Streetscape*, London Publisher: NewYork: Van Nostrand Reinhold.
- Hamzeh, F., Moeiti, J., and Mortezaei, Sh., 2018, *Review and Analysis of Designing and Redevelopment of Urban Furniture in the Direction of Urban Beautification in Different Dimensions with Emphasis on the Development of Tourism and Economic Dynamics in Astara*, Quarterly of Geography, Vol. 29, No. 1, PP. 129-152. (In Persian)
- Hekmatniya, H. et al., 2014, *The Scale of Development in Urban Areas with an Emphasis on the Satisfaction Level Standards of Urban Furniture (Case Study: Abarkuh Localities City)*, Geographical Research of Urban Planning, Vol. 2, No. 4, PP. 501-519. (In Persian)
- Hematiyan, N., 2017, *City- Instagram: New Media And Social Understanding Of Public Spaces*, Urban Management, Vol. 14, No. 48, PP. 143-158. (In Persian)
- Karegar, B. et al., 2017, *Analyzing Mental Dimensions And Investigating the Effects of Lighting on the Improvement of Urban Settlements (Case Study: Tehran Metropolis)*, Urban and Rural Management, Vol. 3, No. 46, PP. 307-320. (In Persian)
- Kashanijou, Kh., 2010, *Recognizing Theoretical Approaches to Urban Public Spaces*, Urban Identity Journal, Vol. 4, No. 6, PP. 95-106. (In Persian)
- Kiyani, A., Pasbanisalou, V., and Goharmir, L., 2017, *Analysis of Urban Public Space Using Fuzzy Logic Inference Model (Case Study: Districts 1 And 2, Zabol)*, Geography and Territorial Spatial Arrangement, Vol. 7, No. 25, PP. 125-146. (In Persian)
- Lahmiyan, R., Obori, M., And Barari, M., 2014, *The Role of Urban Furniture in Tourism Expanding Case Study: Sari City*, Geographical Planning of Space Quarterly Journal, Vol. 3, No. 10, PP. 102-121. (In Persian)
- Mahdizadeh, J., 2012, *The Role of Urban Furniture in the Quality of Urban Environment*, Urban Planning, Vol. 19, No. 37 and 38, PP. 6-13. (In Persian)
- Mohammadi, N., and Taghipour, M., 2015, *The Role of City Furniture in the Vitality of Pedestrians in Historical Context (Case Study: Hafezieh and Municipality Street)*, Urban Landscape Research Quarterly, Vol. 2, No. 4, PP. 59-96. (In Persian)

- Mohammdi, A., and Pishgar, E., 2018, *Analyzing Urban Furniture Condition and Measuring Citizens Satisfaction, Case Study: Balikhlichai River Margins, Ardabil, Iran*, Geographical planning of space Quarterly, Vol. 8, No. 27, PP. 1-20. (In Persian)
- Moshiri, R., Rahmani, B., and Eslamirad, Q., 2014, *Comparative Comparison of Landscape of Urban Texture Based on Urban Furniture Indices (Case Study: Behshahr City)*, Geography and Urban Planning of the Zagros Landscape, Vol. 6, No. 19, PP. 81-98. (In Persian)
- Parhizkar, F., 2014, *The Role of Urban Furniture in Providing Services to Citizens, rah-e-abrishment*, Vol. 19, No. 159, PP. 51-52. (In Persian)
- Poldma, T. et al., 2014, *Understanding People's Needs in a Commerical Public Space: About Accessibility and Lived Experience in Social Settings Alter*, European Journal of Disability Research 8, PP. 206-216.
- Pourmohamadi, M., and Kooshaneh, R., 2013, *Evaluation and Analysis of Urban Public Spaces Using Topsis Model (Case Study: Tabriz)*, Urban and Regional Studies and Research, Vol. 5, No. 17, PP. 37-52. (In Persian)
- Rahmani Firozjah, A., and Sohrabi, S., 2015, *A Sociological Study on the Relationship Between Urban Furniture and Quality of Life*, Urban Sociological Studies, Vol. 5, No. 16, PP. 179-200. (In Persian)
- Rousta, M., 2018, *Explaining and Analyzing the Resilience Level in the Face of Threats of Insecurity in Border Cities with a Spatial Approach (Sample Study: Zahedan City)*, Phd Thesis of Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and Environmental Planning, University of Sistan and Baluchestan. (In Persian)
- Shafiei Sabet, N., and Sadat Mirvahedi, N., 2017, *Rural Housing Satisfaction Ranking Using the Vikor Technique (Case Study: Varamin County)*, Vol. 6, No.1, PP. 153-172. (In Persian)
- Solaymani, A. et al., 2017, *The Effects of Urban Design on the Behavior and Morality of the Citizens (Case Study: The Streets of the Imam, Modares and Kashani of Urmia)*, Geography and Urban Planing Research, Vol. 5, No. 2, PP. 289-314. (In Persian)
- Wardono, P., and Soelami, F., 2016, *Effects of Luminous Furniture on Mood*, Social and Behavioral Sciences, Vol. 222, PP. 342-350. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.178>
- Yosefzadeh, Z., Parsaei, J., and Afshar, A., 2014, *Investigation and Study of Satisfaction of Citizens of the Quality of City Furniture (Case Study: Three and Seven Areas of One Tehran)*, Earth Science Research, Vol. 5, No. 19, PP. 30-43. (In Persian)
- Zangiabadi, A., and Noori, M., 2015, *A Comparative Analysis of Urban Furniture Urban Parks within the Metropolitan Views of Citizens (Case Study: City of Isfahan)*, Geography and Environmental Planing, Vol. 26, No. 1, PP. 85-104. (In Persian)
- Zangiabadi, A., and Tabrizi, N., 2008, *Spatial Analysis of Urban Furniture of the Tourism Area of the Central District of Isfahan*, Journal of Humanities University of Isfahan, Vol. 3, No. 1, PP. 45-66. (In Persian)
- Ziyari, K., Mehdi, A., and Mahdian Bahmanmiri, M., 2013, *Investigating and Analyzing Urban Furniture from the Citizenship Gate and Urban Management Performance (Case Study: Mahabad City)*, Quarterly Geographical Landscape Zagros, Vol. 5, No. 18, PP. 7-28. (In Persian)